

متن پرسش

بسم رب شهدا. الحمدلله روزی و قسمت شد تا در نماز جمعه تهران به امامت رهبر انقلاب حاضر شویم و نماز را اقامه کنیم و عزادار شهید سید حسن نصرالله باشیم. مسئله‌ای که ذهنم را درگیر کرده و آن این است که با اینکه این همه این مراسم تهدید شد این جمعیت از کجا و با چه دلی آمده بودند. و خود من چگونه آنجا حاضر بودم و هیچ دلهره و نگرانی نداشتم و با این خاطر آرام و مطمئن منتظر عملی شدن تهدید هم بودم و این تناقض عجیب را هنوز متوجه نشدم چگونه همزمان میسر است زیرا انتظار یک اتفاق بد را داشتن خود موجب اضطراب و دلهره می‌شود و این دو حالت در من اصلاً ذره‌ای شکل نگرفت دیروز گویا همه بر این باور قلبی رسیدیم که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و نتوانست بکند. اما از دیروز هرچه فکر هم می‌کنم نمی‌توانم این حالات را به توکل به خدا نسبت دهم گویا جنسش از جنس توکل نبود نمی‌دانم چرا ولی اینگونه بود. جایی حضرت آقا فرموده بودند که باید دست قدرت خدا را در تشییع حاج قاسم دید گویا برای من دیروز کمی از آن حرف پدیدار شد گویا دیروز واقعا دست قدرت خدا بود که این حماسه اتفاق افتاد انگار غیر از این نمی‌شد. امروز در فکر و حالات روز قبل سیر می‌کردم و هی با خودم تکرار و زمزمه می‌کردم که خدا خیلی خدایی خدا خیلی خدایی و توصیف دیگری از این رویداد قدرت و مقاومت ایران نمی‌توانم بکنم امید که بتوانیم خدا را در جای جای زندگی خود بیابیم و امید این که شهدا راهنمای ما باشند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان طور که عرض شد میدان، میدان تجربه ایمانی بود که در مردم ما نهفته بود و عملاً در آن صحنه و یا هرکس که به آن صحنه تعلق داشت، ایمان خود را تجربه می‌کرد۱۷۷۴۶ <https://eitaa.com/matalebevijeh/17746> . موفق باشید